



نکاح فضولی

نکاح در لغت به معنی وطی و **عقد** به وطی و تزویج»

[۱] افریقی مصری، علامه آبی الفضل جمال الدین؛ لسان العرب، بیروت لبنان، ۱۴۱۰ هـ. ۱۹۹۰ م، ج اول، ص ۲، ص ۶۲۵.
و **فضولی** یعنی آنکه بی‌جهت در امور دیگران مداخله کردن است

[۲] دهخدا، علی‌اکبر، لغت‌نامه دهخدا، تهران، موسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، ۱۳۷۷، ج دوم. لغت‌نامه دهخدا، ح ۱۱، ص ۱۷۱۷۷.
و در اصطلاح فقهی **عقدی** است که شخص ثالث (بدون این که اصالتاً یا به طور وکالتی مانور در امر **نکاح** باشد) دو نفر را به **ازدواج** هم درآورد.

[۳] الطباطبایی الیزدی، السید محکظم، العروة الوثقی مع تعلیقة عدة من الفقهاء العظام، قم، ۱۴۲۴، ج دوم، ص ۵، ص ۶۰۴.

در **فقه**، نکاح فضولی همانند **بیع فضولی** مورد قبول مشهور فقها است، **عقد** صحیح مرکب از توافق، قصد و رضای طرفین است، اما در نکاح فضولی این دو شرط یافت نمی‌شود و این **عقد فضولی** ممکن است تنها از جانب دختر (ولی او) **فضولی** باشد و ممکن است از دو طرف **عقد** (ولی دختر و زوج) باشد.

عقد **عقد نکاح**، باید دارای شرط کمال، **بلوغ**، عقل باشد «**عقد فضولی** نیز در صورتی نافذ است که عاقد به چنین صفاتی آراسته باشد»
[۴] الطباطبایی الیزدی، السید محکظم، العروة الوثقی مع تعلیقة عدة من الفقهاء العظام، قم، ۱۴۲۴، ج دوم، ص ۵، ص ۶۰۴.

هر چند این عمل را بدون قصد و **نیت فضولی** انجام داده باشد.

یکی از مباحثی که در نکاح فضولی مورد نظر است، بحث «ولایت و متولی عقد شدن» است، در **نکاح** دختر خواه صغیره، خواه غیر آن، **ولایت** پدر و جد پدری شرط است به طوری که آن دو می‌توانند بدون اطلاع دختر، متولی امر **نکاح** شوند اما چنین حقی «برای مادر و جد مادری در نظر گرفته نشده است».

[۵] العلامة الحلی، حسن بن یوسف؛ مختلف الشیعه فی احکام الشریعة، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ هـ، ج اول، ص ۷، ص ۱۲۴.
البته ناگفته نماند چنین امتیازی تا زمانی که به قوت خود باقی است که مفسده‌ای به دنبال نداشته و مصلحت دختر به طور تمام و کمال در نظر گرفته شده باشد زیرا اگر در امر **نکاح**

مصلحت و شأن دختر در نظر گرفته شود **حکم** مسأله همانند نکاح فضولی خواهد شد».

[۶] العروه، ج ۵، ص ۶۲۶.

نکته‌ای که می‌توان به آن اشاره کرد در مورد «نکاح دختر صغیری است که توسط ولی او انجام می‌شود» که اگر چنین **عقدی** صورت پذیرد، **عقد نکاح**، **عقدی** لازم می‌شود و بعد از **بلوغ** دختر **خیار فسخ** ندارد در صورتی که اگر این **ازدواج** توسط غیرولی (که همان نکاح فضولی محسوب می‌شود) انجام پذیرد، **خیار** برای دختر ثابت و صحت **عقد** متوقف بر رضایت او است.

در موضوع ازدواج چگونه می‌توان به رضایت زوجه پی برد، در کتاب وسائل الشیعه شیخ حر عاملی آمده است «در نکاح غیر صغیره بکر، سکوت دختر علامت رضایت است»
[۷] مجتهد الحسن الحراملی؛ وسائل الشیعه الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ هـ، ج ششم، ص ۱۴، بلب ۵، ص ۲۰۶.

و در غیر صغیر «رضایت حاصل نمی‌شود مگر با لفظ معتبر».

[۸] العروه، ج ۵، ص ۶۳۵.

حال لازم است در مورد **حکم** و صحت و سقم چنین نکاحی بحث شود که آیا چنین نکاحی صحیح است یا خیر، و اگر صحیح است این صحت **مشروعیت** دارد یا نه؟ در پاسخ باید گفت که «نکاح فضولی صحیح ولی غیر لازم است و در صورتی که ولی آن را تنفیذ نماید، **عقد** صحیح و لازم، و در غیر آن باطل می‌شود».

[۹] الشهدی الثانی، الشیخ زین الدین العاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة المشقیة، قم، انتشارات، جلال الدین، ۱۴۲۸ هـ، ج اول، ص ۲، ص ۷۰.

و این **این ولی** بدون آن که در آن فوریت شرط باشد، به لفظ و کلمه خاصی هم، وابسته نیست و حتی برای استفاده از چنین **خیار** ی زمان محدود و معینی وجود ندارد ولی نکته مهم این است که «اگر ولی آن را از آن دهد، حق رد آن ساقط می‌شود و اگر آن را رد و ترک کند دیگر حق رجوعی برای وی باقی نمی‌ماند».

[۱۰] العروه، ج ۵، ص ۶۳۴.

نظر شهید ثانی در مورد روایتی که «مجدبناظر (علیه السلام) نقل کرده، که مردی در حالی که غایب بوده، مادرش زنی را به **عقد** او درآورده، امام (علیه السلام) فرمودند: «**نکاح** جایز است، اگر بخواهد آن را قبول و اگر نخواهد آن را رد می‌کند». این است که «تنفیذ **عقد** نیاز به **صیغه** خاصی ندارد»

[۱۱] الروضة، ج ۲، ص ۷۰.

زیرا اجازه کاشف از صحت **عقد** است و نیاز به **صیغه** جدید ندارد».

[۱۲] العروه، ج ۵، ص ۶۳۴.

فهرست مندرجات

۱ - پانویس

۱. [↑](#) افریقی مصری، علامه اَبی الفضل جمال الدین؛ لسان العرب، بیروت لبنان، ۱۴۱۰ھ۔ ۱۹۹۰م، ج اول، ج ۲، ص ۶۲۵.
۲. [↑](#) دہخدا، علی اکبر، لغتنامہ دہخدا، تہران، موسسہ انتشارات و چاپ دانشگاه تہران، ۱۳۷۷، ج دوم. لغتنامہ دہخدا، ح ۱۱، ص ۱۷۱۷۷.
۳. [↑](#) الطباطبائی البزدی، السید محکاظم، العروة الوثقی مع تعلیقة عدة من الفقهاء العظام، قم، ۱۴۲۴، ج دوم، ج ۵، ص ۶۰۴.
۴. [↑](#) الطباطبائی البزدی، السید محکاظم، العروة الوثقی مع تعلیقة عدة من الفقهاء العظام، قم، ۱۴۲۴، ج دوم، ج ۵، ص ۶۰۴.
۵. [↑](#) العلامة الحلی، حسن بن یوسف؛ مختلف الشیعة فی احکام الشریعة، مرکز النشر التابع لمکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۱۷ھ، ج اول، ج ۷، ص ۱۲۴.
۶. [↑](#) العروة، ج ۵، ص ۶۲۶.
۷. [↑](#) محمد بن الحسن الحر العاملی؛ وسائل الشیعة الی تحصیل مسائل الشریعة، بیروت، لبنان، دار احیاء التراث العربی، ۱۴۱۲ھ، ج ششم، ج ۱۴، بلب ۵، ص ۲۰۶.
۸. [↑](#) العروة، ج ۵، ص ۶۳۵.
۹. [↑](#) الشہید الثانی، الشیخ زین الدین العاملی، الروضة البهیة فی شرح اللمعة دمشقیہ، قم، انتشارات، جلال الدین، ۱۴۲۸ھ۔ ج اول، ج ۲، ص ۷۰.
۱۰. [↑](#) العروة، ج ۵، ص ۶۳۴.
۱۱. [↑](#) الروضة، ج ۲، ص ۷۰.
۱۲. [↑](#) العروة، ج ۵، ص ۶۳۴.

[سایت پژوه](#)

ردهای ابن صفحہ: [ازدواج](#)